

بداد عمر گرانمایه کسب محنت کرد

هر آنکه حاجت خود کسب مال و مکنت کرد

بشوق آمد و مهمان دل محبت کرد

زهی به عشق و حدیثش که هر دلی که شنید

شهریور ۱۳۶۳

پشیز ۳

استقبال از اشعار عارفانه میرالدین ابراهیم عراقی

شاعر: محمد حسین فرزین

سرشت‌نامه	: فرزین، محمدحسین
عنوان و نام پدیدآور	: استقبال از اشعار فخرالدین عراقی / محمدحسین فرزین (میلو)
مشخصات نشر	: مشهد: چراغ دیده، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۷۳-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۲
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ الف ۵۳ ر ۴۶ / PIR ۸۳۵۶
رده بندی دیویی	: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۰۶۹۷۲

استقبال از اشعار عراقی (پیشیز ۳)

شاعر: محمد حسین فرزین
تایپ و صفحه‌آرایی: مؤسسه گل‌واژه
لیتوگرافی: گویا اسکنر
چاپخانه: چاپ میثاق
صحافی: پارسیان
نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۷۳-۸-۳

انتشارات چراغ دیده: مشهد، بلوار سجاد، پاساژ پردیس، طبقه ۱-، تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۴۱۳۹۶

«به نام خداوند جان و خرد»

پیش از آنکه به محرک اصلی خود در سرودن اشعار دفتر سوم پیشیز بپردازم و بگویم چرا بر آن شدم تا از غزلیات عارف بزرگ و سوخته دل عراقی استقبال کنم باید اشاره‌ای به زندگی آن رند پاک‌باخته بکنم. درباره شرح حال (عراقی) توضیحات کافی را در مقدمه دیوان او می‌توان جست و من قصد ندارم زندگی نامه مفصل او را بازگو کنم.

همینقدر متذکر می‌شوم که نام او فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر بن عبدالغفار جوالقی است و تخلصش (عراقی).

در سال ۶۱۰ هجری در دیه کوه چال همدان بدنیا آمد و تا سن ۱۷ سالگی با نبوغ ذاتی خود به درجه مدرسی در آن شهر رسید. صدائی دلشین و ذوقی سلیم و روحی تسخیر ناپذیر داشت. در آن سن بدنبال کاروانی از قندار را به بهانه عشقی که از جوانی نیکو روی به دل گرفته بود عازم هند شد. این نخستین عشق عارف بود که در آن هیچ پیرایه‌ای نمی‌توان جست جز اینکه خط یار را در عذار آن جوان خواند و سرمه و شیدا دستارها کرده عازم هند گردید.

در مولتان هند به محضر عارف بزرگ شیخ بهاءالدین ذکریا مولتانی رسید و به زودی مقامی یافت که شیخ خرقة خود بدو پوشید و دخترش را به عقد نکاح او درآورد.

عراقی تا سال ۶۶۶ هجری که سال مرگ بزرگ مرشد او بود در آنجا ماند و سپس باز شوریده و شیدا راه سفر در پیش گرفت و پس از زیارت مکه مدینه با قونی رفت که آن زمان شمع وجود مولانا جلال الدین محمد مولوی در آن می‌سوخت و پروانه‌ها، شیدا به گردش می‌گشتند.

عراقی در قونیه به خلق اثر منثور و معتبر خود بنام «امعات» پرداخت و آنرا به صغردالدین قونیوی که آن زمان پیرو مرشد او بود تقدیم کرد و یقین است که بین این ملاقاتی دست داده و دو رند شیدا از یکدیگر بهره گرفته‌اند.

عراقی پس از مدتی عازم مصر شد و در آنجا با اعزاز و احترام فوق‌العاده مورد استقبال قرار گرفت، بعدی که سلطان مصر به استقبال او آمد و بدو عنوان شیخ‌الشیوخ مصر عطا کرد.

اما محقق است که عارفی بدان درجه کمال، در بند مقام و منصب ولو در امور مذکور نبود. بهمین جهت بعد از مدتی به شام سفر کرد و سرانجام در سن ۷۸ سالگی یعنی سال ۶۸۸ هجری در دمشق بیدار یار شتافت و جسم او را در کنار (شیخ محی الدین عربی) که مقامی عظیم در عرفان داشته و آثار او از مهمترین و معتبرترین تعالیم این طریقت است بخاک سپردند.

این بود خلاصه شرح زندگی عراقی.

اما عراقی شرح حالی به عظمت عالم عرفان دارد که نه گفتنی و نه نوشتنی است. دلی شیدا و آشنای درد باید که او را بشناسد و به راز وجود او پی‌برد.

من گرچه ریزه‌خوار خوان حافظم و بیشترین تأثیر را در روح من لسان‌الغیب حافظ شیرازی گذاشته و سر برآستان او می‌سایم، اما از آنجائیکه سخن عشق یکی است و از هر زبان که شنیده شود نامکرر، در عراقی و شعر عراقی جذبه و حالی وجود دارد که مرامسحور می‌کند و اشک شوق از دیدگان من جاری می‌سازد. چیزی نیستم که در برابر عرفای نامداری امثال او هدیه و تحفه‌ای ارائه دهم، اما بهر حال در این راه گام نهاده و مست از باده عشقم، هرچه هستم همان است که در شعر من انعکاس دارد و سروده‌هایم حقیقت وجودم است و لاغیر.

پیرم حافظ عاشقم کردو یارم (رخی) مددم. بگذارید سخن را با این رباعی خود پایان دهم:

در کوره عشق یار، بگداخته‌ام	جان و دل خود به ناز او باخته‌ام
من هیچ گفته‌ام سخن از لب اوست	بشنیده و نقشش غزلم ساخته‌ام

تهران - اول شهریور ۱۳۶۳

محمد حسین فرزین (مینو)

www.ketab.ir